



## مبغوض ترین افراد در پیشگاه خداوند؛ جاهل بدعت گذار و عالم قلابی

امام علی(ع) درباره کسانی که بدون لیاقت و استحقاق متصدی مقام قضاوت در میان مردم می شود، فرمودند: دو نفر در پیشگاه خداوند مبغوض ترین مردمند: جاهل بدعت گذار و عالم قلابی.

خبرگزاری مهر: امام علی(ع) درباره کسانی که بدون لیاقت و استحقاق متصدی مقام قضاوت در میان مردم می شود، فرمودند: دو نفر در پیشگاه خداوند مبغوض ترین مردمند: جاهل بدعت گذار و عالم قلابی.

171# از جاهلان، به خدا شکایت می برم. raquo؛ این جمله از گفتارهای امام علی(ع) است که درباره کسی که بدون لیاقت و استحقاق متصدی مقام قضاوت در میان مردم می شود، فرمودند. آن حضرت در این باره می فرمایند دو نفر در پیشگاه خداوند مبغوض ترین مردمند: جاهل بدعت گذار و عالم قلابی.

کسی که خداوند او را به خود واگذارده است و از راه راست منحرف گشته، به سخنان ساختگی و دور از حق و حقیقت خویش سخت دل بسته و به سرعت در راه گمراه ساختن مردم گام بر می دارد و برای افرادی که فریبش را بخورند فتنه است، وی از طریق هدایت پیشینیان گمراه گشته و گمراه سازنده کسانی است که در زندگی و پس از مرگش تابع او شوند، او بار گناهان کسانی را که گمراه ساخته به دوش می کشد و همواره در گرو گناهان خویش نیز هست!

کسی که مجهولاتی به هم بافته و به سرعت با حيله و تزوير در میان مردم نادان پیش می رود در تاریکی های فتنه و فساد به تندی قدم برمی دارد، منافع صلح و مسالمت را نمی بیند، انسان نماها، وی را عالم و دانشمند می خوانند ولی عالم نیست.

از سپیده دم تا به شب همچنان به جمع آوری چیزهائی می پردازد که کم آن از زیادش بهتر است تا آنجا که خود را از آب های گندیده جهل (که نامش را علم می گذارد) سیر سازد و به خیال خویش گنجی (از دانش) فراهم ساخته، در صورتی که فائده ای در آن یافت نمی شود.

او در بین مردم به مسند قضاوت تکیه زده و برعهده گرفته است که آنچه بر دیگران مشتبه شده، روشن سازد، (و حق را به صاحبش برساند) او چنانچه با مشکلی روبرو شود. یک سلسله حرفهای پوچ و تو خالی را پیش خود جمع و جور می کند و به نتیجه آن قاطع می گردد، در برابر شبهات فراوان همچون تارهای عنکبوت می باشد، حتی خودش هم نمی داند درست حکم کرده یا به خطا، اگر صحیح گفته باشد می ترسد خطا رفته باشد، و اگر اشتباه نموده امید دارد صحیح از آب در آید.

نادانی است که در تاریکیهای جهالت سرگردان است، همچون نابینائی که در ظلمات پر خطر، به راه خود ادامه می دهد، علوم و دانشهایی که فرا گرفته برایش قطع آور نیست... همانند بادهای تندی که گیاهان خشک را به هم می شکنند، او نیز احادیث و روایات را در هم می ریزد، تا به خیال خود از آن نتیجه ای به دست آورد.

به خدا سوگند! نه آن قدر مایه علمی دارد که در دعاوی مردم، حق را از باطل جدا سازد و نه برای مقامی که به او تفویض شده، اهلیت دارد، باور نمی کند ماورای آنچه انکار کرده دانشی وجود دارد، و غیر از آنچه او فهمیده نظریه دیگری. اگر مطلبی بر او مبهم شد کتمان می کند، زیرا او خود به جهالت خویش آگاه است.

خونهایی که از داوری ستمگرانه اش ریخته شده صیحه می کشند و میراث هایی که بنا - حق به دیگران داده فریاد می زنند.

شکایت به خدا می برم، از گروهی که در جهل و نادانی زندگی می کنند و در گمراهی جان می دهند (و حیات و مرگشان همه در نادانی و جهل است)

در میان آنها متاعی کسادتر از قرآن نیست، اگر آن را آنچنان که باید تلاوت کنند و متاعی نزد آنان رایج تر از آن نتوان یافت اگر آن را تحریف سازند و طبق دل - خواهشان تفسیر کنند و در نظر آنان چیزی زشت تر از 171#& معروف raquo؛ و نیکوتر از 171#& منکر raquo؛ وجود ندارد!

مرحوم کلینی در کتاب 171#& اصول کافی raquo؛ و 171#& ابن قتیبه raquo؛ در کتاب 171#& عیون الاخبار raquo؛ این کلام را با اندکی تفاوت نقل کرده اند. (ان ابغض الخلاق..). اینکه این افراد مبغوض ترین مردم هستند به خاطر آن است که هدف از ارسال پیامبران و فرستادن کتاب های آسمانی تبلیغ آئین حق و توحید، یگانگی خداوند و ایجاد عدالت و دادگستری بین انسانهاست، اما

دسته اول که امام اشاره فرموده، مردم را از توحید و دین حق بیرون می‌برند و آنان را گمراه می‌سازند و دسته دوم به خاطر منافع خویش حقوق افراد را پایمال و سبب ریختن خون بی‌گناهان می‌شوند.

از این دو دسته یکی در راه انحراف عقائد صحیح فعالیت می‌کند و دیگری در اجرای احکام و فروع مذهب، کار خلاف انجام می‌دهد و خود را به جای قاضی و حاکم شرع جا می‌زند، در صورتی که اهلیت این مقام را ندارد.

&#171;جمال خطا یا غیره...&#171; یعنی &#171;بار گناه دگران را بر دوش می‌کشد&#171;، زیرا گناه افرادی را که گمراه نموده به دوش او گذاشته می‌شود، بدون اینکه از گناهان خودش چیزی کاسته شود، در قرآن آمده است: &#171;و لیحلمن ائثالهم و ائقالا مع ائثالهم: بار گناهان دیگران را با بار خود هر دو حمل می‌کنند.&#171; (سوره عنکبوت: 13)

&#171;لیس فیهم سلعة ابور...&#171; اشاره به این است که اگر دستورات و حقایق قرآن به طور صحیح برای مردم آن محیط تشریح گردد، به سوی آن روی نمی‌آورند و چنانچه طبق دلخواه و منافع شخصی آنان تفسیر و توجیه شود آن را می‌پذیرند.